

متن پرسش

با سلام : در جواب سؤالی در مورد آیت الله مصباح فرموده بودید که آقای احمدی نژاد باید به آیت الله مصباح نزدیک می‌شد و گناه آیت الله مصباح این است که خطر انحراف را زودتر می‌فهمید و من واقعا تعجب می‌کنم از این همه قبیله‌گرایی شما، در زمانی که این مسائل جریان انحرافی و اینها اوج گرفته بود، آقا معیارهای انحراف از خط امام را بیان کردند. چطور است که به این سرعت فراموش شد همان جا بود که اعلام نمودند اگر کسانی اشتباه کرده‌اند بگویند و مثال امام را آوردند که در قضیه‌ای فرموده بودند که من در فلان قضیه اشتباه کردم آقای مصباح خطر این جریان را بزرگ‌ترین خطر می‌نامیدند و رهبر انقلاب مسائل را اصلی و فرعی می‌کردند و امروز معلوم شد که موضوع اصلی فتنه‌ی ۸۸ بود. بزرگ‌ترین خطر اسلام از نظر آقا اختلاف سلیقه شما مخیرید که آقای مصباح را انتخاب کنید زیرا نمی‌توانید فراتر از آن نگاه کنید و فکر نکنید که ما متوجه طعنه‌هایتان نمی‌شویم اگر راست می‌گویید افکار این بزرگ‌ترین خطر را به طور جدی نقد کنید نه اینکه در جواب دو تا سوال به طور کلی بیان کنید مناظره کنید و از شخصیت فرهیخته‌تان دفاع کنید من به شخصه آقای مصباح را هنوز هم دوست دارم و بدانید که رشته‌ام فلسفه‌ی اسلامی است و اصولاً با افکار ایشان آشنایی دارم و منکر زحمات فوق‌العاده‌ی ایشان نیستم ولی مگر شماها برمنبرهایتان شب و روز نمی‌گویید که گذشته‌ها ملاک نیست و مگر امام نفرمودند میزان، حال فعلی افراد است؟ این تعابیر آقا متعلق به قبل از سال ۹۰ است. من معتقدم که آقای مصباح در جریان آقای احمدی نژاد ذیل مقام معظم رهبری عمل نکردند و در این جریان اشتباه کردند و یکی از علل اشتباه ایشان حلقه‌ی اطرافیان ایشان بود مانند جریان آخوند خراسانی و شیخ فضل الله نوری که این حلقه‌ی اطراف آخوند خراسانی موجب اشتباه آخوند خراسانی شد و تا ایشان فهمید و آمد که کاری کند شیخ به شهادت رسید. ولایت‌مداری آقای احمدی نژاد و آقای مشایی واقعاً بی‌نظیر است. ولایت‌مداری در عمل ثابت می‌شود نه در حرف، برای من اختلاف نظر شهید بهشتی و آقای مصباح در مورد آقای شریعتی جالب است شهید بهشتی که برای امام یک ملت بود و مظلوم واقع شد در جمهوری اسلامی که مظلومیت ایشان در برابر شهادتشان هیچ بود. اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابیگری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابیگری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما می‌دانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذاء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. والعاقبة للمتقين

باسمه تعالی: سلام علیکم: گویا در سخن جنابعالی موضوع جواب سؤال شماره‌ی ۵۷۳۱ در مورد آیت‌الله مصباح فراموش شده آن کاربر عزیز موضوعی را مطرح کردند که حاصل و نتیجه‌ی آن این می‌شد که مقصر اصلی خیلی کارها آیت‌الله مصباح می‌شدند و بنده تذکر دادم که خطای این نگاه بسیار زیاد است و نه تنها شخصیت آیت‌الله مصباح نادیده گرفته می‌شود بلکه روحیه‌ی اسلام انقلابی که آیت‌الله مصباح در حوزه‌ی علمیه یکی از شاخص‌های این روحیه هستند زیر سؤال می‌رود. عنایت دارید که بنده از کلیت شخصیت آیت‌الله مصباح دفاع کردم و معتقدم مقام معظم رهبری با شناخت کاملی که از کلیت شخصیت آیت‌الله مصباح دارند آن سخنان را در تأیید ایشان فرمودند. شاید مصاحبه‌ی اخیر آقای فتاح □ وزیر نیروی دولت نهم را در خبرگزاری پارس دیده باشید که می‌فرمایند با آقای احمدی‌نژاد از قبل رفت و آمد خانوادگی داشته‌اند ولی تأکید می‌کنند آقای احمدی‌نژاد دولت نهم غیر از آقای احمدی‌نژاد دولت دهم است □ که در دولت دهم در نزدیکی خاصی نسبت به آقای مشایبی قرار گرفتند- موضع‌گیری‌های آیت‌الله مصباح در دولت دهم خبر از نگرانی عمیقی می‌دهد که پیش آمد. از یک طرف رهبری عزیز تلاش داشتند با تقویت و تأیید دولت امکان حمله‌ی مستقیم و غیر مستقیم جریان‌های آقای هاشمی و آقای مطهری و بعضی از نمایندگان مجلس را سد کنند و از طرف دیگر آیت‌الله مصباح تلاش داشتند متذکر شرایطی باشند که آقای احمدی‌نژاد را از بدنه‌ی اصول‌گرایی جدا کرده و آقای احمدی‌نژاد بهترین نیروهای اصول‌گرا را از اطراف خود راند، نیروهای اصول‌گرائی که در دولت دولت نهم روحیه‌ای ایجاد کرده بود که دولت در آن زمان به عنوان دولت نظام اسلامی به شدت کارآمد شد. به همین جهت ملاحظه می‌کردید بنده و امثال بنده در عین آن‌که از دولت در مقابل جریان آقای هاشمی و امثال ایشان دفاع می‌کردیم انتقادی به آیت‌الله مصباح نداشتیم چون می‌دانستیم حقیقتاً یک خطر بزرگی پیش آمده □ هرچند ممکن بود در روش برای دفع این خطر صراحت آیت‌الله مصباح را تنها روش دفع خطر ندانیم □ اما آیت‌الله مصباح در فهم آن خطر بسیار هوشیار بودند. موضوع اختلاف آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مصباح در برخورد با جریان مرحوم شریعتی و کسانی که می‌خواستند با تفکرات مرحوم شریعتی یک مکتب درست کنند را نیز در تفاوت در روش بدانید و نه در تشخیص. این آن چیزی است که بنده در راستای حفظ انقلاب و در راستای اتحاد ملی مورد نظر رهبری باید عرض می‌کردم ولی مطمئن باشید هنوز عمق آن چیزی که آیت‌الله مصباح بر روی آن دست گذاشتند روشن نشده. آثار کمی از آن این است که شما فعلاً ملاحظه می‌کنید دنیای غرب ذوق‌زده شده که گویا توانسته روحیه‌ی انقلابی را به حاشیه ببرد. چه عاملی موجب دلسرد شدن روحیه‌ی انقلابی اصول‌گراها از دولت دهم شد؟ آیا این پدیده به‌خوبی کالبدشکافی شد؟ مصاحبه‌ی آقای فتاح شروع خوبی است برای تفکر بر روی این موضوع. اگر این موضوع به‌خوبی روشن شود صدای آیت‌الله مصباح بهتر شنیده می‌شود و به عنوان صدایی مقابل رهبری تلقی نمی‌گردد. هنوز فرصت تفکر بر روی تفاوت دولت نهم و دهم فراهم نشده، آینده چیزهایی را بما نشان می‌دهد که

بسیار عبرت آموز است. موفق باشید.